

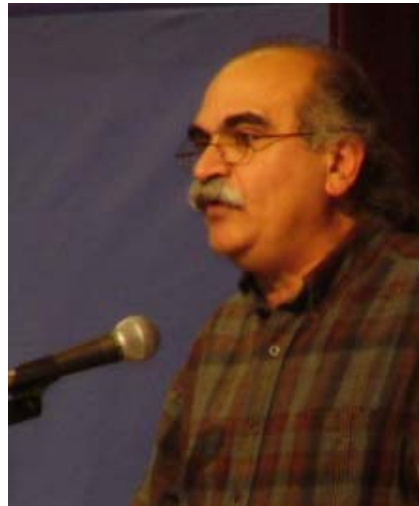
بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند.
کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نیندھد،
ولی جهانی را بدست خواهد آورد.
کارگران جهان متحد شوید!

این کنگره میگوید انقلاب و پیروزی سوسیالیسم

مصاحبه با حمید تقوایی رهبر حزب کمونیست کارگری درباره کنگره این حزب

هست بلکه در مقابل انواع و اقسام مدافعانش در لباسهای باصطلاح اپوزیسیون الان مدتهاست که جمهوری اسلامی را نگه میدارند. یک انقلابی در برابر همه آنها دارد شکل میگیرد و حزب ما در مقابل این صف پرچم آزادی، پرچم برابری را پرچم سوسیالیسم و پرچم رفاه را بلند کرده و این را روز به روز جامعه در بخشهای هر چه وسیعتری دارد می بیند و متوجه میشود. درست مصادف با تشکیل این کنگره شاهد اعتراض حزب هستیم در اسلو به پروژه شیرین عبادی به کاری که اروپای واحد داشت میکرد با علم کردن شیرین عبادی برای اینکه باز به خیال خودش چهار روز دیگر بر عمر رژیم اضافه کنند و بگویند که باصطلاح صف دو خرداد شکست نخورده، هست و حزب ما این

صفحه ۲



انقلاب کارگری: با تشکر از اینکه مصاحبه با ما را پذیرفتید. کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری برگزار شد به نظر شما جایگاه مصوبات و قطعنامه هایی که در این کنگره تصویب شد در آینده سیاسی ایران چیست؟

حمید تقوایی: به نظر من این کنگره قطعنامه های خیلی مهمی تصویب کرد، تصمیمات خیلی مهمی گرفت که مستقیماً تمامشان برمیگردند به وضعیت سیاسی در ایران و تحول انقلابی که در ایران در پیش است کنگره دو کار اساسی کرد یکی موقعیت سیاسی ایران را بدرستی شناخت، تحلیل کرد و به درستی اعلام کرد که سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت انقلابی مردم احتمال بالایی دارد و خودش را برای این آماده کرد. کنگره گفت که حزب ما تا امروز نقش داشته در ایجاد این شرایط و بن بست سیاسی که الان نه تنها در مقابل جمهوری اسلامی

۱۶ آذر پیام همبستگی دانشجویان با کارگران

جامعه، پرچم همبستگی و حمایت از اعتراضات کارگران پتروشیمی و کارگران در ایران را بلند کردند و این حرکت آنان پیامی بود به معلمان، به پرستاران و به کل جامعه که به آن پیوندند. این پیام یادآور خاطرات انقلاب ۵۷ بود که مردم فریاد میزدند، کارگر نفت ما رهبر سر سخت ما! چرا که امروز بعد از یکماه اعتراض و مبارزه در میان کارگران پتروشیمی و کشیده شدن دامنه این اعتراضات به دیگر صنایع وابسته به نفت، کارگران گاز ملی، پالایشگاه آبادان، کارگران بخش اکتشاف و بهره برداری و بوجود آمدن جنب و جوشی تازه در میان کارگران نفت به درست همه توجه ها بسوی

صفحه ۲

انعکاس یافت و جایگاه مهم مبارزات کارگران پتروشیمی و کارگران نفت را در برابر چشم جامعه و چشم جهانیان قرار داد. پرچم برافراشته سرخ دانشجویان، پرچم آزادی برابری در روز ۱۶ آذر ماه را دیگر نمیشد سانسور کرد و آنرا پوشاند و برافراشته بودن آن در عکسهایی که از اعتراضات دانشجویان در این روز در خبرگزاریهای رسمی دولتی انعکاس یافته بود میدرخشید.

این اقدام بیش از هر چیز نشانگر جلو آمدن گرایش چپ در جامعه و عزم آن برای کوبیدن مهر خود بر سیر تحولات جاری است. در این روز دانشجویان بعنوان بخش معترض و پر تپش



شela دانشفر

بالا بردن پلاکارد حمایت از مبارزات کارگران پتروشیمی و اعتراضات کارگری و بر پا کردن پرچم آزادی برابری در ۱۶ آذر امسال در تهران یک اتفاق سیاسی مهم در شرایط متحول امروز ایران است. پیام همبستگی دانشجویان به کارگران پتروشیمی و اعتراضات کارگری در این روز به قلب جامعه رفت و سرفصل جدیدی در جنبش سرنگونی علییه جمهوری اسلامی بوجود آورد. این پیام در رسانه های خبری در سطح جامعه و در سطح جهانی

ده گام به پیش

صفحه ۲

کارگران کرایه ای، برده داری مدرن

صفحه ۲

همبستگی کارگری

با کارگران معترض پتروشیمی

صفحه ۲

سازمان دادن اعتصابی

که رژیم شاه را فلج کرد

صفحه ۵

مبانی کمونیسم کارگری

سمینار اول کمونیسم کارگری

منصور حکمت

صفحه ۶

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

نابود باد جمهوری اسلامی

سردبیر

ده گام به پیش



امیر توکلی

در سر مقاله شماره قبل نوشتیم که «هفته داعی را در پیش داریم، به استقبالش برویم» از ۱۶ آذر، اعتراضات پتروشیمی، اعطای جایزه نوبل و برگزاری کنگره علنی حزب کمونیست کارگری بعنوان فاکتورهایی که میباید تا در اوضاع سیاسی ایران و جهان تاثیر بگذارند یاد کردیم. اما تاثیرات این رویدادها فراتر از آن سطحی بود که من فکرش را میکردم. * از ۱۶ آذر شروع میکنم، از اعتراض دانشجویان و مردم آزادیخواه علیه جمهوری اسلامی. از دو جنبه اعتراضات ۱۶ آذر امسال با تمام اعتراضاتی که در همه ۱۶ آذرها برگزار می شد، متفاوت بود. به عکسهای که خبرگزاری جمهوری اسلامی از این روز چاپ کرده نگاهی بیاندازید. شعارهای دانشجویان آزادی برابری و دفاع از خواستههای کارگران معترض پتروشیمی

است. با شعار آزادی و برابری جامعه میباید که قطب مقابل جمهوری اسلامی را پیدا کند. آزادی و برابری آلترناتیو جنبش مردم در مقابل کل سیستم سرمایه داری و جمهوری اسلامی است. اما دفاع از اعتراضات و مبارزات کارگران پتروشیمی دیگر پایه مادی و ستون به تحقق رساندن این آلترناتیو میباشد. بدون چفت شدن با کارگران پیروزی بر سرمایه داری امکانپذیر نیست. و این آن نقطه عطفی است که مبارزات ۱۶ آذر امسال را متفاوت میکند. * بعد از برلین و کنفرانس معروفش که قرار بود دو خرداد جمهوری اسلامی را لانس کند و نتوانست. اینبار امر مقدس اروپا به اسلو داده شد تا بعنوان نوبل جمهوری اسلامی را از انزوا و انزجار عمومی چه در ایران و چه در جهان خارج کند. اما باز هم نتوانستند. کمونیستها و آزادیخواهان نگذاشتند بروی انزجار و تقابلی که کارگران و کل جامعه با جمهوری اسلامی دارد، پرده ساتری کشیده شود. میخواستند بگویند اسلام با حقوق بشر تناقضی ندارد و نکبت جمهوری اسلامی را چند صباحی بیشتر به خورد مردم

دهند. میخواستند زنی مسلمان از «ایرانی اسلامی» را بر روی کانالهای تلویزیونی ببرند، تا کل جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را منزوی کنند. اما مارکس و منصور حکمت و زنان کمونیست کارگری چشمها را بیشتر خیره کرد. اروپا و آمریکا در تاثیر گذاری سیاسی در ایران در شرایطی سختی بسر میبرند، چرا که کمونیستها همه جا هستند. * در حالی که کنگره حزب حاکم در جمهوری اسلامی مخفی برگزار میشود، کنگره حزب کمونیست کارگری بصورت علنی برگزار شد و جریان کنگره زنده در شبکه اینترنت پخش گردید. صدها نفر در کنگره شرکت کردند و هزاران نفر از طریق تلویزیون روزنه مباحثات آن را دیدند و شنیدند. کنگره ای موفق که مصوباتش میباید تا آینده سیاسی ایران را شکل دهد. مجمع فعالینی که تاثیرات فعالیت آنها را میتوان در همه جا دید. در برلین، در دانشگاه تهران، در اسلو در جلب پشتیبانی کارگری برای کارگران ایران و در هر گوشه جامعه. حزبی که تاثیرات فعالیتش فراتر از ایران میروند. خلاصه کنم. هفته ای که گذشت بدون شک هفته ما بود. جمهوری اسلامی و حامیانش چه در داخل و چه در دولتهای اروپایی بیش از پیش در تنگنا قرار گرفتند. صف ما کارگران و مردم آزادیخواه روشنتر، رادیکالتر و متحدتر گردید. تحولی عظیم را در سیاست ایران شاهدش هستیم. بعد از این تصویر رسانه های جمعی پلاکاردهای آزادی، برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی است. بعد از این تصاویر کانالهای تلویزیونی عکسهای مارکس و منصور حکمت و رژه کمونیست هاست. و اینها همه نوید یک انقلاب کارگری را میدهند. به استقبال برویم.

انقلاب کارگری

شنبه ها منتشر میشود

سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 358 405 821 776

ایمیل: tavakoli@hotmail.com

کارگران کرایه ای، برده داری مدرن



وریوا احمدی

دولت گرهارد شرودر با تبلیغ علیه بیکاری و رفع آن به قدرت رسید. اما حتی با دستکاری عددی در آمار نیز، تعداد بیکاران کمتر نشد. به عکس حمله به بیکاران شدت گرفت. اداره های کار، بیمه بیکاری و سوسیال ادغام شدند. هدف از آن کوچک کردن بورکراسی اداری بود. در همین دوره شرکتهای خصوصی بسیاری تاسیس شده اند که کارگران را به شرکتهای متقاضی کرایه میدهند. برخی از این شرکتهای توسط کارکنان اداره کار تشکیل شده است. جهتگیری کلی اداره کار این است که به یک ماشین کرایه دادن کارگران بیکار تبدیل شود. در این سیستم کرایه کردن کارگر برای یک ساعت هم ممکن است. این شرکتهای کارگران بیکار را استخدام میکنند و سپس آنها را به قیمتی چند برابر برای مدت معینی کرایه میدهند. کارگر حق رد کردن کار معرفی شده را ندارد و پارلمان این بی حقوقی را قانونی کرده است. در تعیین حقوق استاندارد وجود ندارد و بیکار کردن بسیار ساده است. شرکتهای کارگران را موقتاً استخدام میکنند تصمیم میگیرند که فردا چه کاری و در چه بخشی را باید کارگر کرایه ای انجام دهد. لذا در مدت زمان کوتاهی کارگر چندین کارفرما و چندین نوع متفاوت کار انجام میدهد. این شرکتهای برای کرایه دادن

کارگران، تبلیغاتی را هم برای شرکت متقاضی کارگر ارسال میکنند. مثلاً مینویسند: همکار ما دارای استعدادهای زیر است و مواردی را مینویسد. خصوصیات فردی را هم با ارسال عکس و حتی شیک پوش بودن را هم قید میکنند و اضافه میکند که زمان کار مهم نیست میتواند دو نصف شب باشد همکار ما با علاقه در اختیار شما قرار خواهد گرفت. شما اختیار دارید اگر از همکار ما راضی نبودید هر لحظه که مناسب دانستید وی را به منزل بفرستید. در صورت تمایل شما ما نفر آلترناتیو را فوراً در اختیار شما قرار خواهیم داد.

این شرکتهای هیچگونه مسئولیتی در قبال زندگی کارگر ندارند. دستمزدی که پرداخت میکنند مودی است و بعد از انجام کامل کار پرداخت میشود. و بعد از آن کس جدیدی را استخدام نمیکند. بدین صورت کار شاق با بی حقوقی کامل به کارگران بیکار تحمیل میشود. این است زندگی کارگر بیکار در پیشرفته ترین کشور اروپا. نظام سرمایه داری چه نوع مدرنش و چه عقب مانده اش در شان انسان نیست باید ویرانش کرد.

یک دنیای بهتر
را بخوانید!

ادامه

۱۶ آذر پیام همبستگی دانشجویان با کارگران

کارگران نفت و نقش کلیدی آنها در سیر تحولات جاری در ایران جلب شده است. باید به استقبال پیام اتحاد و همبستگی دانشجویان در روز ۱۶ آذر ماه رفت. اکنون که کارگران پتروشیمی اعلام کرده اند که تا هنگامیکه به خواسته‌هایشان پاسخی داده نشود به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد، هر هفته سه روز در غذاخوری کارخانه جمع خواهند شد و با بصدا درآوردن قاشق‌هایشان صدای اعتراض خود را بلند خواهند کرد، باید با همبستگی و پشتیبانی از این اعتراضات در تقویت و رساتر کردن هر چه بیشتر صدای اعتراض آنان کوشید. باید همه بخش‌های جامعه را به حمایت و پشتیبانی از این اعتراضات فراخواند. اعتراض کارگران پتروشیمی اعتراض همه کارگران نفت است، امروز برای کارگران بخش‌های دیگر نفت و هزاران هزار کارگری که هم اکنون در معرض بیکارسازیها هستند بهترین فرصت است که به این اعتراضات بپیوندند. کارگران پتروشیمی در راس اعتراض علیه بیکارسازیها حرکت کرده و با پافشاری بر روی خواسته‌های خود خواست امنیت شغلی و عدم انتقال به بخش خصوصی، در برابر تهاجم امروز رژیم به کارگران در صنعت نفت و در میان دیگر کارگران راه نشان داده اند.

تداوم این مبارزات و انعکاس وسیع آن در میان کارگران نفت و در جامعه بویژه در اوضاع ملتهب کنونی در ایران، اهمیت سیاسی حرکات اعتراضی امروز کارگران پتروشیمی را صد چندان کرده و تا همینجا تاثیرات قابل توجهی بر توازن قوای سیاسی جامعه و بر مبارزات جاری در میان کارگران و در بخش‌های مختلف جامعه داشته

است. این مبارزات هم اکنون رژیم را در محاصره جدی ای قرار داده و روشن است که گسترش آن به مبارزه علیه بیکارسازیها ختم نخواهد شد، بلکه پتانسیل آنرا دارد که طبقه کارگر و کارگران نفت را با کلیت خواسته‌هایش به میدان آورد. باید این فرصت را دریافت.

روز ۱۶ آذر دانشجویان با تشخیص هوشیارانه این شرایط تاریخی بود که پرچم فرمز آزادی و برابری را بر سر درب دانشگاه تهران نصب کردند و با پلاکارد حمایت از کارگر پتروشیمی و اعتراضات کارگری این روز را به روز اعتراض خود علیه این رژیم و به روز اتحاد و همبستگی تبدیل کردند.

امروز وظیفه کارگران کمونیست و رهبران کارگری در پتروشیمی و در صنعت نفت است که با گرفتن پیام همبستگی دانشجویان، برای جلب پشتیبانی وسیع مردم تلاش کنند و مبارزه ای قدرتمند و گسترده را سازمان دهند. کارگران پتروشیمی با صدور بیانیه‌های اعتراضی خود در مجامع عمومی کارگری خویش، میتوانند بخش‌های مختلف کارگری و بویژه دیگر بخش‌های صنعت نفت را به حمایت و پشتیبانی از اعتراضاتشان فرا بخوانند و بیانیه اعتراضی خود را به گوش دیگر بخش‌های کارگری برسانند. کارگران پتروشیمی باید بکوشند اجتماعات امروزی خود در مجتمع پتروشیمی را به مجامع عمومی منظم و به محلی برای تصمیم‌گیری و پیشبرد مبارزاتشان تبدیل کنند. بطور مثال اکنون که کارگران پتروشیمی اراک در سه شنبه هر هفته مجمع عمومی خود را بر پا میکنند و در آن هر بار بیش از هزار کارگر جمع میشوند و برای ادامه مبارزاتشان تصمیمات لازم را اتخاذ میکنند، باید به این حرکت تداوم داد. تداوم این حرکت یعنی رسمیت دادن به

همبستگی کارگری با کارگران معترض پتروشیمی

بنا به کمپینی که حزب کمونیست کارگری برای جلب پشتیبانی از کارگران پتروشیمی شروع کرده است تا به حال اتحادیه‌های بزرگ و موثری در اروپا و آمریکا با ارسال نامه‌های اعتراضی به دولت ایران از خواسته‌های کارگران پتروشیمی دفاع کرده اند.

این اتحادیه‌ها عبارتند از: **اتحادیه کارگران فلز آلمان** با ۳ میلیون عضو. **۲۸ اتحادیه کارگران در آمریکا** که لیست آن در سایت روزنه دات کام موجود است. **فدراسیون سراسری کارگران شیمیائی ت ژ ت در فرانسه**.

این کمپین ادامه دارد و تاکنون دهها سازمان و اتحادیه کارگری از کارگران پتروشیمی حمایت کرده اند و به حکومت اسلامی اعتراض نموده اند. سایر نامه‌های حمایتی در شماره‌های بعدی درج میگردد.

ادامه

این کنگره میگوید انقلاب و پیروزی سوسیالیسم

را افشا کرد، بی‌آبرو کرد رفتای ما که در کنگره صحبت میکردند صدایشان گرفته بود بخاطر شعارهایی که دیروز در اسلو داده بودند. حرکتی که برای اولین بار فکر کنم در تاریخ چپ ایران و در تاریخ اپوزیسیون ایران بزرگترین پوشش از لحاظ مطبوعات رادیو و تلویزیونها گرفت و ما با قدرت تمام یکبار دیگر یک کوشش دیگر جنبش ملی اسلامی ایران را که در دست اروپای واحد اینبار میخواست دوباره باصطلاح در لباس حقوق بشر و دموکراسی دوباره رژیم را نگه دارد یکبار دیگر افشا کردیم همانطور که در کنفرانس برلین افشا کردیم من در یکی از سخنرانی‌هایم در این کنگره گفتم فرقی بین حزب، مکانیسم‌های حزب ما تاریخ حزب ما تصمیمات کنگره حزب ما و تحولات جامعه نیست اینها روی هم مستقیماً تاثیرات متقابل دارند تصمیمی که حزب ما امروز میگیرد شعار و قطعنامه‌ای که تصویب میکند پس فردا بعنوان یک شرایط واقعی و عینی در سیاست ایران دوباره خودش را در مقابل ما قرار میدهد ما شعار آزادی و برابری را در تحولات یکسال اخیر آوردیم و در جامعه بردیم و امروز این شعار را ما پلاکارد بزرگش را در جنبش دانشجویان ۱۶ آذر می‌بینیم در جنبش دانشجویان یکسال قبل می‌بینیم ما مرگ بر آپارتاید جنسی را گفتیم امروز شعار زنان است ما شعار مرگ بر جمهوری اسلامی را گفتیم امروز شعار عمده مردم است این کنگره حالا میگوید انقلاب و پیروزی سوسیالیسم و من امیدوارم و مطمئن هستم فردا ما شاهد پیروزی انقلاب و سوسیالیسم در ایران هستیم

(این متن از نوار کاست پیاده شده است مسئولیت اشکالات انشائی و یا محتوایی با سردبیر است)

بر پایه مجمع عمومی کارگری در مجتمع پتروشیمی اراک. یعنی جمع شدن منظم بیش از هزار کارگر در هر هفته در این مجتمع و بوجود آمدن اتحاد و همبستگی ای قوی ای در میان کارگران برای پیشبرد مبارزاتشان. انجام این کار الگو و تجربه آموزنده ای در مقابل دیگر بخش‌های کارگران نفت و در تمامی محیط‌های کارگری بدست میدهد و میتواند اعتراضات کارگری را گامی مهم به جلو برد.

از سوی دیگر کارگران در دیگر بخش‌های نفت و دیگر مراکز کارگری میتوانند به اشکال مختلف از دادن قطعنامه‌های حمایتی تا بر پایه اجتماعات اعتراضی و مبارزه متحد علیه بیکارسازیها و علیه تهاجمات هر روزه رژیم به کارگران به مبارزات کارگران پتروشیمی بپیوندند.

دانشجویان با برداشتن پرچم حمایت از کارگران پتروشیمی و اعتراضات کارگری به کل جامعه راه را نشان دادند باید این پرچم را در همه جا و در همه بخش‌های جامعه برفراشت.

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

ادامه

سازمان دادن اعتصابی که رژیم شاه را فلج کرد

که آقای انصاری نمی‌خواهد با ما به مذاکره بنشیند، مسئولیت ادامه اعتصاب با اوست. در آخر، از همه مردم ایران خواستیم که این سؤال سرنوشت ساز سیاسی را مورد توجه قرار دهند تا اطلاع داشته باشند که مسئولیت ادامه اعتصاب کجا قرار گرفته است.

وقتی آقای انصاری فهمید که یک کپی از نامه‌مان را به هیأت شکایات مجلس فرستاده‌ایم، با آقای پزشکپور، رئیس این هیأت تماس گرفت. انصاری گفت که کارگران دروغ گفته‌اند، او حاضر بوده که با هر تعداد از نمایندگانشان، در هر کجای ایران و هر زمانی که آنها بخواهند بنشینند. آقای پزشکپور هم بنویس خود به ما زنگ زد و آنچه را که انصاری به وی گفته بود، به ما بازگو کرد. ما هم به وی گفتیم که به انصاری تهمت نمی‌زنیم. برای اینکه به آقای پزشکپور ثابت کنیم که انصاری دروغ گفته، تمایل خود را به ملاقات با

او در هر زمان و هر جای ایران اعلام کردیم. پزشکپور از ما خواست که ۱۵ تن از نمایندگان خود را بفرستیم به هیأت شکایات مجلس تا با او ملاقات کنند و ما هم قبول کردیم. از آنجا که شرکت هوایمائی ایران ایر در اعتصاب بود، ما با هواییهای مخصوص شرکت نفت خودمان را به تهران رساندیم و از هتل و تمامی دیگر تسهیلاتشان استفاده کردیم.

وقتی به دفتر آقای پزشکپور رسیدیم، او پیغامی را از آیت‌الله شریعتمداری (یکی از رهبران مذهبی) به ما داد که از اعتصاب ما حمایت کرده بود. این علیرغم این بود که آقای شریف امامی، نخست وزیر وقت، اعتصاب ما را یک خیانت خوانده بود، چون که یک ضربه جبران ناپذیری به اقتصاد کشور وارد آورده بود. آقای شریعتمداری در پیغامش نه تنها ما را خائن خوانده بود، بلکه عمل ما را ستوده و آن را در راستای منافع

صندوق همبستگی مالی با کارگران اعتصابی در ایران!

www.kargaran.org

سایت کارگران طبق اطلاعیه ای در ۵ ژوئن ۲۰۰۳ خبر از تشکیل صندوق حمایت مالی در دفاع از کارگران چیت بهشهر داد. اکنون با شدت گرفتن جنبش سرنگونی مردم در ایران و شدت گرفتن جنب و جوش اعتراضی در میان کارگران این صندوق را به صندوق حمایت از کارگران اعتصابی در ایران اختصاص دادیم. با کمک به این صندوق به استقبال و حمایت از اعتصابات کارگران در ایران برویم.

واقعیت اینست که همیشه در شرایطی که کارگران دست به اعتصاب می‌زنند. بویژه اعتصابات طولانی مدت یکی از مسائلی که همواره بر دوش کارگران و تداوم و تحکیم مبارزه شان فشار می‌آورد مساله مالی است. بویژه در شرایطی که سطح دستمزد کارگران آنقدر نازل است که حتی کفاف اولیه ترین مایحتاج آنها را نمیکند، در شرایطی که در بخشهای وسیعی از مراکز کارگری کارگران ماهیست که دستمزدی دریافت نکرده اند، این فشار شکل حادث و جدی تری بخود میگیرد. صندوق همبستگی مالی با کارگران یکی از سنت های جافتاده در مبارزات کارگری و ظرفی برای ایجاد همبستگی و تقویت اتحاد در میان کارگران است. صندوق همبستگی مالی در حمایت از کارگران اعتصابی میکوشد که به این نیاز پاسخ دهد. به صندوق همبستگی مالی در دفاع از کارگران اعتصابی کمک کنید.

کمک های خود را به این شماره واریز کنید:

اسم بانک:

Name of the bank: Lloyds Bank

شماره حساب:

Account nr: ۰۰ ۴۴ ۲۶ ۱۵

Sort code: ۳۰ ۹۹ ۸۶

Name: A-J

نام دارنده حساب:

سایت کارگران

شهلا دانشفر

۲ ژوئیه ۲۰۰۳

از سایت کارگران دیدن کنید

سایت کارگران منعکس کننده اخبار اعتراضات و مبارزات کارگران و بررسی مسائل گرهی جنبش کارگری است. با ارسال گزارش و خبر و مقالات و عکس در زمینه مسائل جنبش کارگری در ایران و جهان با این سایت همکاری کنید.

سردبیر: شهلا دانشفر

آدرس سایت: www.kargaran.org

آدرس ای میل: shahla_daneshfar@yahoo.com

ادامه در شماره بعد

باعث میشود اعلام کند که

قطب شوروی نماینده

"مارکسیسم واقعی نیست".

یا کمکهای مالی چین به

آلبانی قطع میشود و آلبانی

هم تصمیم میگیرد اعلام کند

که چین نماینده سوسیالیسم

نیست. بهر حال دلائل زمینی

پشت اینها هست. ولی بهرحال

مستقل از این منافع زمینی،

جدال با "روزیونیسم" و سنت

ضد روزیونیستی یک جزء

همیشگی کل تجربه و تاریخ

سوسیالیسم و کمونیسم

تاکتونی بوده است.

ادامه در شماره بعد

ادامه مبانی کمونیسم کارگری

یک مشخصه تعریف کننده احزاب سنت "ضد روزیونیستی" است. البته این نقد و این ادعاها را همیشه نباید در صورت ظاهر آن پذیرفت. چرا که پشت خیلی از این داعیه ها که "مارکسیسم این نیست، مارکسیسم لنینیسم واقعی این نیست، منفعتهایی خیلی زمینی خوابیده است. دعوای مرزی چین و شوروی و تلاش چین برای ظهور در مقیاس جهانی بعنوان یک قطب سیاسی و اقتصادی با اقمار و مناطق نفوذ خودش.

کمونیستی نامیده میشود با قطبهای بین المللی و غیره اش، نماینده مارکسیسم واقعی نیست، جریانی انقلابی نیست، کمونیسم واقعی نیست، خود سرچشمه پیدایش احزاب زیادی بوده است. احزاب متعدد و سنتهای چپ مختلفی شکل گرفته اند که نقطه شروعشان همیشه همین بوده است که "این کاری که حزب قبلی میکند، یا این واقعیتی که در فلان کشور تحت نام سوسیالیسم وجود دارد سوسیالیسمی نیست که ما میگوئیم. سوسیالیسم این نیست، مارکس اینرا نگفته، این تئوری انقلابی نیست، این تبیین انقلابی وضعیت نیست، این سیاست انقلابی و طبقاتی نیست. این عدول از مارکسیسم است." و این، یعنی اعتراض و نقد به عدول جریانات دیگر از مارکسیسم،

با نشریه انقلاب کارگری

همکاری کنید.

ما منتظر اخبار، مقالات،

نظرات، خاطرات و

پیشنهادات شما هستیم.

نشریه انقلاب کارگری از این سایت قابل دسترسی است

www.kargaran.org

سازمان دادن اعتصابی که رژیم شاه را فلج کرد

گزارش دست اول یکی از کارگران صنعت نفت

این مطلب قبلا در نشریه کارگر کمونیست منتشر شده است. سردبیر



برگردان: ناصر اصغری

قسمت سوم

وقتی که این مطالب را مطرح کردیم، مقامات شرکت نفت فهمیدند که باید با ما مذاکره کنند. تولید نفت کاملا متوقف شده بود. دیگر بهیچوجه برایشان مفید نبود که نفتکشها را بارگیری کنند. بعلاوه کارمندان و کارگران بارانداز در جزیره خارک هم در حال اعتصاب بودند. حتی اگر ما شروع به استخراج نفت می کردیم، کسی نبود که آن را به تانکرها بار بزند. از آنجائی که خارک جزیره کوچکی است، بعد از پر کردن تانکرها، نمی شود آنها را برای مدت زیادی آنجا نگه داشت. می تواند بسیار خطرناک باشد. در نتیجه اگر نفت منتقل نشود، تانکرها را خالی نگه می دارند تا از انفجار احتمالی آنها جلوگیری شود.

دیدیم که آقای انصاری - یکی از مقامات شرکت نفت - اول به مناطق جنوبی پالایشگاه رفت. یک گشت بازسی در حوزه های حاشیهای مانند گچساران و آغاچاری را شروع کرد. ظاهرا فکر کرد در این مناطق آسانتر می تواند کارگران را متقاعد و یا مرعوب کند. بعد به

جزیره خارک رفت و دوباره به مناطق جنوبی برگشت. آنجاها کارگرانی که با او و همراهانش حرف زدند، گفتند که مطالباتشان همان مطالبات کارگران اهواز هستند. در واقع کارگران متوجه منظور او شده بودند. به آنها گفته بودیم که با این هدف که آنها در اقلیت بودند و اینکه بتواند آنها را مجبور به برگشتن بر سر کار کند، آنجاها را انتخاب کرده بود. با این کار ما را هم مجبور می کرد به سر کار برگردیم. بهشان گفتیم که نباید سر کار برگردند و نباید با انصاری مذاکره کنند. نتیجتا کارگران نفت آبادان به انصاری گفتند که مطالباتشان همان مطالبات کارگران نفت اهواز است. او به آنها گفته بود: پس شما باید بدانید که آن مطالبات چه هستند و بتوانید با ما مطرح کنید. کارگران در جواب گفتند: از آنجا که شما حاضر به مذاکره هستید، بهتر است کارگران اهواز را دعوت کنیم به اینجا تا آنها مطالبات را خودشان مطرح کنند. انصاری باز هم سعی کرده که کارگران آبادان مطالبات خود را مطرح کنند، ولی آنها باز هم جواب رد داده بودند. در نتیجه وی آبادان را بدون کوچکترین دستاوردی ترک کرد و مجبور شد به اهواز برود.

انصاری در مجمع عمومی ما در اهواز شرکت کرد و سعی کرد پیشنهاد دولت را به ما بقبولاند. گفت که آمده اینجا در باره مطالباتمان با ما مذاکره کند. گفت که پول درآوردن تخصص اوست. اگر پول بیشتری، یا بیمه بازنشستگی بهتری می خواهیم، حاضر است که آنها را برآورده کند. همچنین یکسری قولهای دیگری را هم داد. گفت از

آنجائی که تعداد خیلی زیادی از ما اینجا هستیم - حدودا ۷۰۰۰ نفر - امکان ندارد که بتواند با همه صحبت کند. گفت که تعدادی نماینده برای خودتان انتخاب کنید تا شاید بتوانیم به توافقاتی برسیم. در همان جلسه بار دیگر ۱۲ خواستمان را بیان کردیم. گفت که به مطالبات اقتصادی ما فکر خواهد کرد، اما مطالبات غیر اقتصادی در صلاحیتش نیست. گفتیم از آنجائی که او بالاترین مقام شرکت نفت است، فقط انتظار داریم که این مطالبات را به اطلاع دولت برساند. گفت که مایه خوشحالی او خواهد بود. در همین هنگام تصمیم گرفتیم که مجمع عمومی دیگری را فراخوان دهیم.

میتینگ برای روز بعد، ساعت پنج و نیم مقرر شد. وقتی آقای انصاری رسید در واقع یک ساعت بود که میتینگ را شروع کرده بودیم. با اینکه بدلتالی یک ساعت دیرتر از زمان تعیین شده برگزار شده بود، او ساعت هفت و نیم رسید و از ما خواست مطالباتمان را مطرح کنیم. برای سرعت بخشیدن به کارها، یک نفر را انتخاب کرده بودیم تا به نمایندگی از طرف ما صحبت کند. او شروع کرد به خواندن خواسته هایمان. اولین خواست ما پایان دادن به حکومت نظامی بود. در این هنگام انصاری صحبت های وی را قطع کرد و گفت مطالبات غیر اقتصادی را نخواند. گفت که این مطالبات به او ربطی ندارند. به او خاطر نشان کردیم که قول داده بود تمامی خواسته هایمان را به اطلاع مقامات دولتی برساند. او در جواب گفت که این کار از

عهده او خارج است و خواست که فقط مطالبات اقتصادیمان را مطرح کنیم. وقتی که متوجه شدیم او عملا زیر قولش زده، به او گفتیم که ما تمایزی بین خواست اقتصادی و غیر اقتصادی قائل نمی شویم، تنها یک مجموعه مطالبه داریم، از یک تا دوازده. تا آن موقع ما مطالباتمان را از یک تا سه غیراقتصادی و از چهار تا دوازده را هم اقتصادی دسته بندی کرده بودیم. اما اکنون فقط یک مجموعه مطالبه داریم، از یک تا دوازده.

انصاری اصرار داشت که ما مطالبات غیراقتصادی خود را مطرح نکنیم، اما آن را قبول نکردیم. در این لحظه او به ما کلکی زد. یک نفر وارد میتینگ شد و به او گفت که تلفن مهمی دارد. انصاری ظاهرا اجتماع ما را به قصد جواب دادن به تلفن ترک کرد، اما هرگز برنگشت. رویهمرفته میتینگ ما با او حدودا ۳ دقیقه طول کشید. بعدا پیغامی به ما داد و گلايه کرده بود که فضای میتینگ غیرقابل تحمل بود.

پیشنهاد کرده بود که ۳، ۴ و یا ۵ نفر از ما در محل دیگری با او ملاقات کنیم. در جواب به او گفتیم نه تنها پیشنهاد او را رد می کنیم بلکه تأکید کردیم که هرگونه ملاقاتی اگر داشته باشیم، باید در همان سالن، با همان تعداد نفرات و در همان روز باشد. یعنی اینکه باید همان روز شروع شود و شاید ۴، ۵ روز هم طول بکشد. او پیشنهاد ما را قبول نکرد و به تهران بازگشت.

انگار تولد شاه بود و انصاری می خواست در تشریفات شاهنشاهی شرکت کند. بعدها نوجهایش شایع

کردند که ما به او توهین کرده، گویا پاهایمان را روی میز گذاشته و در صحبت هایمان ادب را رعایت نکرده و به احترام او بلند نشده بودیم و از این قبیل حرفها. همچنین گفتند که ما یک نوع عقده هائی داریم. هدف از این داستانها، نفاق انداختن بین منتخبین نمایندگی و انتخاب کنندگان بود. اما خوشبختانه این تاکتیکهای تفرقه افکنانه نگرفت. ما گزارش میتینگ را، همانطوریکه اتفاق افتاده بود، به همکارانمان رساندیم. اکثریت بالائی با تصمیم ما موافق بودند، اما تعدادی هم مخالفت کردند. فکر می کردند شاید انصاری حرف بی ربطی زده باشد. بهرحال لازم دیدیم کاری کنیم که این تاکتیکها را خنثی کنیم. همزمان همکارانمان به ما فشار می آوردند تا ببینند قدم بعدی ما چه خواهد بود. می خواستند بدانند حالا که ما مذاکره با انصاری را رد کرده ایم، با چه کسی می خواهیم مذاکره کنیم. ما هم گفتیم که ما خواستیم با او مذاکره کنیم، این اوست که نمی خواهد با ما مذاکره کند.

برای اینکه ما از انصاری برای این نوع تاکتیکها عقب نمانیم، تلگرافی با رونوشت به روزنامه های کیهان و اطلاعات، به انجمن حقوقدانان ایران فرستادیم. همچنین یک کپی از آن را به هیئت شکایات مجلس شورای ملی و یک کپی هم به انجمن وکلای ایران فرستادیم. در این تلگراف موقعیتی را که اعتصاب کارگران صنعت نفت در آن صورت گرفته بود شرح دادیم و ضرری را که به اقتصاد کشور وارد می کرد را خاطر نشان ساختیم. همچنین در آن تلگراف گفتیم که از آنجائی

کارگران جهان متحد شوید!

” Let the ruling classes tremble at a
Communist revolution. The proletarians
have nothing to lose but their chains. They
have a world to win.”

WORKERS REVOLUTION

Nr. 5 20 december 2003



مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری (مارس ۱۹۸۹)

قسمت سوم

برگردم به مسیری که طی شد. ما با همین انتظارات پا به میدان فعالیت گذاشتیم. با همانقدر تئوری که میفهمیدیم، با هر تبیینی که از خودمان داشتیم. اما بهرحال انسانهای پرشوری بودیم با اهدافی بسیار بلند پروازانه. ما جنبش چپ آن زمان را تغییر داریم، متحول کردیم. و خود ما حاصل تغییرش هستیم. حزب کمونیست تشکیل شد. جنبش چپ خلقی تمام شد و حزب شروع شد. حزب کمونیست ایران، جنبش چپ ایران را به فازی رساند که رادیکالیسم چپ به این حزب محدود شد. این حزب به بستر اصلی رادیکالیسم چپ ایران تبدیل شد. ولی این واقعه جلوی تکامل بعدی آن رادیکالیسم را نگرفت. بلکه مکان و ظرف ادامه این تکامل سیاسی و نظری را تغییر داد. خود حزب ناشی از روند رادیکالیسم چپ ایران و تکامل آن رادیکالیسم بود، اما وقتی این حزب آمد و تاریخ چپ را به تاریخ درونی خودش تبدیل کرد، وقتی حزب آن ظرفی شد که کامیاب تمام این رادیکالیسم را در خود جذب کرد و سازمان داد، تکامل و تحول بعدی این چپ رادیکال نیز دیگر از آن پس اساسا در درون این حزب اتفاق میافتد. تشکیل حزب کمونیست ایران روند رادیکالیزه شدن چپ ایران را به نقطه انتها نرساند، متوقف نکرد، بلکه خود حزب کمونیست ایران را به صحنه ادامه این روند تبدیل کرد. این یک تفاوت مهم ایجاد

کرد. قبلا در دوران جدل و تقابل گروههای متعدد چپ یک فضای قطبی ایجاد شده بود و این رادیکالیزاسیون از طریق تقابل میان جریانات مستقل پیش میرفت. در آن دوره هر گروه و جمع از گوشه خودش دفاع میکرد. اما وقتی حزب درست شد، منفعتی ماورای همه افراد بوجود آمده که گویا باید به هر قیمت آن را نگاه دارند و این یک مانع مصنوعی جلو آن سیر تکامل میگذازد که قبلا در غیاب یک حزب واحد براحتمی در مبارزه بین تشکلهای و گرایشها پیش میرفت. ادامه نقد رادیکال به خطوط و گرایشها دیگر چپ، اکنون به شکل نقد بر گوشه ها و ابعاد و گرایشهای از خود حزب کمونیست ایران بروز میکند. منظورم اینست که کمونیسم کارگری بنظر من ادامه تاریخ معینی هم هست. در این بعد محدودی که در اینجا از آن صحبت میکنیم، لاقط ادامه تاریخ تحول کمونیسم در ایران است. این تحول در چهارچوب حزب کمونیست ایران و علیرغم تشکیل حزب که هدف ما در دوره قبل از آن بود همچنان ادامه پیدا کرد. و این امری بسیار طبیعی و قابل انتظار است. زیرا اگر کسی فکر میکند دیدگاهها و پراتیکی که در چهارچوب مباحثات مارکسیم انقلابی تا سال ۶۲ به آن دست یافتیم، تمام آنچه است که برای فایق آمدن به موانع یک انقلاب کمونیستی و تناقضات کمونیسم تاکتونی لازم و کافی بوده است، تصور خیلی ساده و محدودی از

مشاهده هر آدم عاقلی به یکی از نتایج زیر میرسد: یا باید نشست و در تئوری تجدید نظر کرد، یعنی معتقد شد که خود مارکسیسم با واقعیت سازگار نبوده، خوانائی نداشته، باید در آن دست برد، در آن تجدید نظر کرد، آن را با روندهای دیگر فکری تلفیق کرد، آن را با اوضاع تاریخی موجود تطبیق داد، از آن دست کشید و غیره. این یک نتیجه گیری محتمل و مقدور از این مشاهده است. یک استنتاج دیگر هم میتواند این باشد که تئوری مارکسیسم عیبی ندارد، تحلیل ها و اهداف و آرمانها عیبی ندارد. اما اینها در عمل تحریف شده اند، در عمل پیاده نشده اند، مارکسیسم بعنوان یک تئوری انقلاب کارگری سر جای خودش محکم ایستاده است، نکته اینست که باید به این نظرات واقعا عمل کرد. آن رگه اول در فرهنگ لغات ما رویزیونیستها و بورژواها هستند، همه ما از آنها حرف میزنیم. رگه دوم ما و خیلی دیگر از جریانات چپ هستیم. که میگوئیم مارکسیسم درست است، اما آن کمونیسمی که تحت این نام براه افتاده را قبول نداریم و به همین دلیل هم احزاب متفاوتی میسازیم. اعتقاد به اینکه بستر اصلی و رسمی آنچه جنبش

است و طبعا میتواند با هزار و یک پاسخ دیگر مقابل قرار بگیرد. این شماست که باید قضاوت کنید و تصمیم بگیرید آیا از نظر شما هم این میحث گامی برای رفع آن تناقضات تاریخی کمونیسم هست یا خیر. این پاسخ خاص میتواند از نظر کسی کافی یا راهگشا باشد یا نباشد، اما اصل مساله اینست که فقط میتوان تبیین را در برابر تبیین و پاسخ را در برابر پاسخ قرار داد. بی نظری، بی پاسخی، معنایی جز تسلیم به ناتوانی امروز کمونیسم عملا موجود از دخالت فعال در جامعه و تاریخ ندارد. پس اولین نکته ای که در بررسی کمونیسم امروز جلب توجه میکند شکاف میان کمونیسم عملا موجود، در تمام سطوح، با آن کمونیسمی است که مورد نظر مارکس بود. کمونیسمی که ما جلوی خود میبینیم، نظرات و پراتیکی که تحت عنوان کمونیسم بیان میشود، در تقابل با تجسمی که مارکس و مارکسیسم از آن کمونیسم میدهد. از یک طرف واقعیت اجتماعی و نظری و عملی کمونیسم واقعا موجود امروز و از طرف دیگر مارکسیسمی که ما میشناسیم. اینها ابدا یکی نیستند. شکاف و حتی تناقض میان اینها برای ما عیان و انکار ناپذیر است. از این

آزادی برابری حکومت کارگری